



بلخی در بستر زمانه

کج قربان‌علی انصاری

۲۴ سرطان برابر است با سالروز شهادت سید اسماعیل بلخی و به این مناسبت در این نوشته برای شناخت شخصیت و اندیشه‌های شهید بلخی نگاهی می‌اندازیم به تحولات سیاسی و اجتماعی زمانه شهید بلخی؛ چون یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری اندیشه‌ها؛ تحولات سیاسی و اجتماعی در جامعه است و سعی می‌کنم به این سؤال پاسخ داده شود که تحولات سیاسی اجتماعی در زمان شهید بلخی در چه سمت و سوی جریان داشته است که شهید بلخی و دیگر مبارزان عصر او به فعالیت‌های سیاسی علیه نظام سیاسی آن زمان رو آورده است و در راه رسیدن به اهداف شان سال‌ها زندان و سختی‌ها را تحمل کرده است.

بعد از شکل‌گیری واحد سیاسی به نام افغانستان ساختار قدرت سیاسی در این سرزمین به گونه‌ای بوده است که استبداد و خودکامگی به عنوان ویژگی اصلی ساخت قدرت سیاسی حضوری مستمر و مداوم داشته است. حاکمیت‌های سیاسی در این کشور عموماً فردی، استبدادی و خودمحور بوده‌اند، فرهنگ حذف و عدم پذیرش مشارکت دیگر اقوام و جریانات سیاسی و نگرش قوم‌محورانه به سیاست و گردش خانوادگی قدرت از مهم‌ترین مؤلفه‌های قابل شناسایی در حاکمیت‌های سیاسی افغانستان در گذشته بوده است.

سال‌های نخست سلطنت ظاهرشاه، هاشم خان، عموی ظاهر شاه که عملاً قدرت مطلقه را در اختیار داشت، با استبداد و با تکیه بر سرکوب و زور حکومت می‌کرد و دوره او به نام عصر وحشت و اختناق شهرت یافته است؛ اما نارضایتی مردم و فشارهای بین‌المللی زمینه رسیدن شاه محمود یکی دیگر از خاندان شاهی را به قدرت فراهم ساخت، شاه محمود برای آرام کردن افکار عمومی و جلب رضایت جامعه بین‌المللی گام‌های اندکی در جهت ایجاد دموکراسی برداشت و فضایی باز سیاسی در دوره حکمرانی شاه محمود موجب پیدایش و گسترش گروه‌های اجتماعی شد و این گروه‌ها خواستار مشارکت در قدرت سیاسی شدند؛ اما به دلیل این که ساخت قدرت عمودی مطلق بود و حکومت به شیوه استبدادی اداره می‌شد، این روند ادامه



نیافت دوباره فضای سیاسی کشور دچار انسداد شد و در طول چهل سال سلطنت ظاهر شاه این روند با فراز و نشیب ادامه یافت. بنابراین، می‌توان گفت در زمانه شهید بلخی سیاست حذف و انحصار قدرت به صورت سیستماتیک اعمال می‌شد و امکان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها وجود نداشت و این نوع نگرش به قدرت و سیاست از سوی حاکمان، زمینه را برای مخالفت با سیاست‌های حکومت فراهم ساخت.

شهید بلخی به عنوان یک عالم و روحانی مبارز در قبال آن چه که در کشور می‌گذشت، نمی‌توانست بی‌تفاوت باشد. او به خوبی درک می‌کرد که از این نگرش مردم افغانستان هزینه‌های سنگین پرداخته است و در دوره‌های مختلف تاریخ افغانستان استبداد حکومتی عکس‌العمل‌ها و شورش‌های اجتماعی را در پی داشته است و بسیاری از مبارزان و عدالت‌خواهان به جرم مبارزه با این اندیشه ضد انسانی کشته‌اند و یا به زندان افکنده شده‌اند و قیام ابراهیم خان گاوسوار به پشتوانه مردمش را می‌توان شدیدترین واکنش اجتماعی در مقابل عملکرد حکومت آن روز در مناطق مرکزی دانست، به گفته



نفی بلد، تبعید، مشقت‌ها، مرارت‌ها و زیر سیوف خیلی زود گذشت و تنها عشق و علاقه به مرام، این سختی‌ها را تحمل‌پذیر ساخت، نه آرزوی شخصی داشتم و نه قدرت و سلطنت می‌خواستم و برای احقاق حقوقی مردمی که از حقوق‌شان محروم بودند، مبارزه کردم.

شاه‌بیت سخنان و اشعار شهید بلخی را سه چیز تشکیل می‌داد: استقلال، آزادی و عدالت و عملاً هم شهید بلخی در محور این سه موضوع حرکت کرد. درباره استقلال باورمند بود که استقلال و عدم وابستگی مسیر پیشرفت، انکشاف و ترقی جامعه و کشور را هموار می‌سازد و اگر ملتی یا کشوری استقلال نداشته باشد، بحث پیشرفت، تأمین عدالت اجتماعی و آزادی در آن مفهوم ندارد. در اشعارش این مسئله را مطرح می‌کند:

مایه آسایش جان خون استقلال ما
صفحه رخسار جانان خون استقلال ما
با اشارت نیست در ایمان نشان آبرو
قوت و نیروی ایمان خون استقلال ما.

محور دوم مورد توجه شهید بلخی در رابطه به آزادی است و آزادی به خصوص آزادی اجتماعی برترین ارزش‌های انسانی و عامل شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی در جهت تحول و تغییر است و اگر آزادی از آدمی سلب شود، استعدادها شکوفا نمی‌شود، انتخاب و اختیار آگاهانه و آزادانه زمینه بروز نمی‌یابد. بنابراین، اهمیت آزادی باعث شده است که این مفهوم انسانی دغدغه بسیاری از اندیشمندان و متفکران شود و شهید بلخی باورمند بود که آزادی به‌عنوان یک ارزش بلند جامعه انسانی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد و در اشعارش نیز آزادی را بسیار پررنگ و با ارزش مطرح می‌کند:

زد پرچم حریت آن رهبر آزادی
در کربلا با صد زیب و فر آزادی
این درس به دنیا داد از مدرسه مردی
کز قتل نمیترسد، هر پیکر آزادی
من بار ستم را کی، بر دوش کشم بیبال
این رسم روا نبود در کشور آزادی
بگذار شود مقطوع، رگ‌های گلوی من
کز قطع رها سازم، هر حنجر آزادی.

محور سوم مورد توجه شهید بلخی عدالت بود و ایشان عقیده داشت که جوامع برای دوام خود نیازمند برقراری عدالت است و عامل بسیاری از تباهی‌ها، جنگ‌ها و تبعیض، بی‌عدالتی است. از این رو، در طول حیاتش برای تحقق عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه قدرت برای شهروندان کشور، تلاش و مبارزه کرد و از وجود تبعیض و بی‌عدالتی و آنچه که در جامعه آن روز افغانستان می‌گذشت، رنج می‌برد و در اشعارش نیز از این وضعیت شکایت کرده است:

حاجتی نیست به پرسش که چه نام است این جا
جهل را مسند و بر فقر مقام است این جا
علم و فضل و هنر و سعی و تفکر ممنوع

قیام ابراهیم خان گاو سوار به پشتوانه مردمش را می‌توان شدیدترین واکنش اجتماعی در مقابل عملکرد حکومت آن روز در مناطق مرکزی دانست، به گفته بصیر احمد دولت آبادی، قیام ابراهیم خان گاو سوار با تمام اهمیتی که برای هزاره‌ها داشت، فراتر از هزاره‌جات مطرح نشد؛ ولی این حسن را داشت که زمینه‌ساز طرح بزرگ و فرامنطقه‌ای و حتی فراقومی در کشور شد و آن طرحی بود که به رهبری یک روحانی شیعی با همکاری جمعی از هزاره‌ها و غیرهزاره‌ها سازماندهی شد و شهید بلخی در سال ۱۳۲۹ خورشیدی، قیام سراسری و همه‌جانبه‌ای را با همکاری تعدادی از گروه‌ها، احزاب سیاسی و شخصیت‌های مبارز آغاز کرد و هدفش از این حرکت ایجاد نظام سیاسی با مشارکت همه اقوام و ملیت‌ها و پیروان سایر مذاهب افغانستان بود.

بصیر احمد دولت آبادی، قیام ابراهیم خان گاو سوار با تمام اهمیتی که برای هزاره‌ها داشت، فراتر از هزاره‌جات مطرح نشد؛ ولی این حسن را داشت که زمینه‌ساز طرح بزرگ و فرامنطقه‌ای و حتی فراقومی در کشور شد و آن طرحی بود که به رهبری یک روحانی شیعی با همکاری جمعی از هزاره‌ها و غیرهزاره‌ها سازماندهی شد و شهید بلخی در سال ۱۳۲۹ خورشیدی، قیام سراسری و همه‌جانبه‌ای را با همکاری تعدادی از گروه‌ها، احزاب سیاسی و شخصیت‌های مبارز آغاز کرد و هدفش از این حرکت ایجاد نظام سیاسی با مشارکت همه اقوام و ملیت‌ها و پیروان سایر مذاهب افغانستان بود. این طرح با توجه به عدم فراهم بودن زمینه‌ها با شکست مواجه شد و خود شهید بلخی نیز اعتراف می‌کند که شرایط برای قیام آماده نبود و می‌بایست پس از ده سال کار فکری، تشکیلاتی و مبارزه فرهنگی به چنین کار اقدام می‌کردم. به‌رحال در اثر این قیام، شهید بلخی همراه یارانش زندانی شد و حدود پانزده سال را در بدترین شرایط در زندان به سر برد؛ ولی نشان داد که با زور نمی‌شود صدای حق خواهانه عدالت‌خواهان خاموش شود.

شهید بلخی درباره انگیزه مبارزات خود می‌گوید که پانزده سال



ویرگه نامه
پنجاهمین سالگرد
شهید علامه سید اسماعیل بلخی

سیاسی و مبارزه علیه حکومت آن زمان روی آورد و بعد از شکست قیامش همراه یارانش دستگیر و سالها در زندان دهمزنگ کابل زندانی شد.

آنچه در شرع حلال است، حرام است این جا. در نتیجه می توان گفت که در طول تاریخ این کشور نابرابری های اجتماعی در عرصه های مختلف جریان داشته است و جامعه عصر شهید بلخی یک جامعه کاملاً مرده و ساکت بوده است و اگر صدایی بلند می شد در گلو خفه می شد و قدر و منزلت مردم تنها در فرمانبری و اطاعت پذیری خلاصه می شد و شهید بلخی در خطبه ها و اشعارش واقعیت های اجتماعی آن روز جامعه افغانستان را به خوبی به تصویر کشیده است و راه درمان و علاج این درد را پایان حاکمیت های استبدادی می دانست و در جهت رسیدن به این هدف به فعالیت های

